

مواظبت و محاربت اراضی و املاک در عهده او بوده و زیر ششم ثمان مپاه نام داشته بجهت اینکه تربیت اشجار و نباتات و تقسیم آنها با او بوده زمام و مهام مملکت را بدست چهار هر وزیر داد همین امپراطور است که از برای سبدهای دام تربیت داد و بجهت حیوانات اهلی از قبیل اسب و گاو و مرغ و حواک و سگ و کوسند عنایتی فراهم نمود

بر حسب عقاید چینی دختر خدا که موسوم به (هواس) بود این امپراطور را مادر بود روزی از روزها هواس در سواحل شطی که موسوم به (فومی) بود حرکت کرده دنبال یک شخص نرنگی افتاده بود در این اثنا حالت رفتی از برای او پیدا شد و لرزه در اندامش افتاد طولی نکشید که از سمت آسمان قوس و قزحی هویدا گشته اطراف و جوارب او را اساطیر نمود بعد از این مقدمه آثار جل در آن عقیقه پدیدار شد صد او دوازده سال روز چهارم از ماه دهم در نصف شب پسری زائیده موسوم به سونی (همی سال) یکی از لغت دانهای چینی میگوید سابقاً عملاً را اطلس آسمان مپداسند لحاظ اینکه مادرهای ایشان بواسطه امر پروردگار حامله می گشتند بدن (فومی) مانند بدن ازدها بوده است و سرس مانند مهر تصویر این سلطان را که از میان تصویرات سایر مردمان معروف چین که تقریباً صد هر مینوند برداشته ایم و تماماً بواسطه (مسبه امبو) از چین فرستاده شده و مجموعه آن در موزه سلطنتی پاریس موجود است در آخر این کتاب صمیمه کرده ایم و مینمایند که در پیتانی این سلطان شاحبانی است مانند ساح کاو و لباسش از پوست یا از رگ درختان است مطابق شرحی که کنهسپوس در باب کینگ کتاب دمری عهد (فومی) مپدهد در اوایل دنیا مردمان را م شلاقهای گره دار تنبیه می نمودند طولی نکشید که فومی کتابی بجهت تعلیم و تربیت صاحبصیان مقرر دانسته و کلمات این کتاب را تماماً مرموزان (کوا) ماعام و ساینده از اینجا معلوم مینمود که کنهسپوس در حیات و وجود (فومی) شکی نداشته در همین اوان بوده که بجهت موجودات مجرد سماوی و اراضی تشریفات و فرمانی قرار داده و بر حسب امر او طرق ساختند موسوم به (سنگ) ماما که در موارد فرمانی نگار رود قبل از ممانت این امپراطور حدی از برای اثبات و دکور میبود و در زمان سلطنت او نکاح و تشریفات از برای اردواح قرار داده شد تا آنکه اس اساس انجمن السانی محرم باشد چه مردمان از آن تاریخ بعد ماکال شرافت رندگی کردند یکی از مصنفین چینی میگوید قبل از این متمدنات افراد ادیان مافر د حیوانات خندان فرقی مپداشتند چه مانند آنها پدر

خود را میشتا حقیقت فقط با مادرها مانوس و مألوف بودند امپراطور (فوئی) دفع این بی نظمی و اغتشاش الساب را نمود سلاوه امر فرمود که لباس زنان با لباس مردان باید اختلاف کلی داشته باشد قوانین مخصوص بجهت تکالیف زن و شوهری مقرر است یکی از این قوانین این بود که کسی نمیتوانست از بیگانه تا از قوم و خویش زنی بگیرد که خود هم نامشروع و نریب مذکور تا امروز هنوز یکی است این امپراطور مخصوصاً بر علم هیئت جنسی کار کرده صورت آسمان را بچیدین داده بهیم کرد ز عصر شصت ساله درول نمود این عهد و از زمان دوره گردش است که امروزه بر در چین معمول و متداول است و بجهت همین اوقات سال شمسی اختراع بود امر فرمود بجهت دفاع اسلحه چینی را از آنها را حلزون کردند و دور شهرها حصار کشیدند و نیز بر حسب امر او بجهت علم نجومی و اوقات زیادتی درین نمودند همین امپراطور چوئی را که موسوم به (تنگ) بود بحرب امر کرد از آن سازی ساخت بطول چهل و هشت سائیمیلر موسوم به (کن) و سپاه آن از ابریشم بود و عددهش بیست و هفت و بی کاتبه در خصوص عدد آن سم به آراء متفق نیستند اما پنجمین و بیست و نهمی آن ساز قابل شده اند و بگویند کتابه از پنجم شماره است و در بیکه (هوی) ساز مذکور را میتوانست آهنکی دلکش و آسمانی از آن شده میدادند و در باره ساخت دارایی سوز و شش سیم موسوم به (آسی) بعد از آنکه عام صیادی را دریاچه در صید بجهت صیادان بساحت خلاصه آنکه اوقات سلطنتش را تمام صرف رعیت پروری و عدل گستری نمود امورات مخفی نسبت به دختر باکره طائل شده اند که نصیب او را حوامر (فوئی) دانند و بر حسب زوجیه (هوی) مثلا بگویند بدن این دختر مانند بدن مار و سرش مانند سر کاه و این احتمال میدهند این باکره هم حوامر فوئی بوده و هم زوجیه (هوی) و همچنین قائل میکنند که با وجودیکه با سوهر خود موافق داشت باز بحال بگریز بود حاسین و واپسند این امپراطور را (شون) میدانند که دو هزار و دویست و هفتاد و سه سال قبل از میلاد مسیح سلطنت کرد اختراع کاه آهن را از او دانند بگویند که علم زراعت را این امپراطور ب مردم آموخت بعد از اینکه پنجم قسم کتسم کسب مردم بخوردن کتسم سبب نمودند استخراج ملاحرا از آمد دریا از او دانند بگویند کتسمی در خصوص علوم طبیعی مسیبت کرد و خوردن در سنت کمال استعداد و فراست را داشت بازرهای نزدیکی برای رسیدن به این ساخته و مللی علم را در انجا دعوت نمود و از مروج مال التجاره در آنجا را با کس بطلب خود

در آن بازارها خرید و فروش میکرد و بعد بوطن خود مراجعت مینمود. ایجاد علم طب و باو نسبت میدهند. میگویند که تشخیص گیاه ها را او داده و خواص مختلفه آنها را پیدا کرد و مجموع حاصل جزئی بیانات سرودهای جنسی ترتیب داد و چنگی ساخته چینی فشنگ و تازی سرین بخواهرات تا آنکه توسطه آنها مردم را متخالی باخلاق حسنه نماید و صفات رفیقه و با بنامیده را از آنها دور سازد بجهت اندازه گرفتن صورت و سطح زمین سوار مراده کشته صکه تنوع شش ازدها حرکت میکرد بعد از مساحت زیادی استنباط نمود که مساحت زمین از مشرق بمغرب هصد هزار (لی) است (لی یک قدم فرسج است) و از شمال بمغرب هشتصد و پنجاه هزار لی و هر وقتی که مباحث است قریباً بجهت پروردگار نماید در مبدی میرفت موسوم بمبد نور جنسی نفر از اعتقاد (شون) زمان سلطنت امپراطور (هوانی) سلطنت کردند یعنی تا اول عصر دهم چنانکه مذکور دارد. — دو احر سال شصت و یکم سلطنت امپراطور مذکور دوره اول تاریخی چین یعنی دو هزار و ششصد و سی و هفتم سال قبل از میلاد مسیح شروع میکنند و مبدی گذارشات تاریخی خود را در باب چین از اول سلطنت این سلطان قرار میدهم عماید برا که در باب اس و اساس سلطنت چین است (یعنی عمایدیکه تعلق برید های (طنو) میکرد و من بعد شرح آن داده خواهد شد) چینی عور روسی نموده ایم پندتر بلخاط ایسکه با عماید عمومی مردم چینی متانی است یعنی با عمایدیکه از بی اسرانیلها گرفته شده چه بی اسرانیلها کلا می کشند که اس و اساس تشکیل الفحس انسانی بواسطه خلقت یک مرد و یک نر زن بوده و تکمیل آنها از وقتی تنه س که از سر بجه قدرت حلق در آمده اند و نیز معتقدند که مدت زمانی این مرد و زن سرود پروردگار کشته و بقیجه و اثر ان باعقاب ان رسیده یعنی تمام بی نوع بشر مطابق احبار چینی انساب افراد انسان میکنند زن و مرد کلی باطل و بی اصل اس و میگویند کسی که قوه خلایق و ربوبیت داشته باشد کمال تنافی را با حالت افراد بشر دارد و علاوه اینکه بهبوط آدم و تکمیل ان اعتقاد ندارند می گویند که افراد انسان پس از اینکه حالات مختلفه پیدا کرده و از حالت بیجهت و درندگی عمایات دیگر رسیده و فخر و افتخار امر و زاین حالتاً پیدا کرده یعنی نه فقط حالت هبوط و مردودیت را پیدا کرده بلکه حالت نحو و رتی را که شصه د تربیت و تمدن باشد پیدا نموده تمام حال و قبلهائی که تاکنون کردیم از برای اثبات این مدعی بود

ازمنه تاریخی

فصل هشتم - (خلاصه تاریخ چین از مدو سلطنت (هوانگ تی) تا عصر ما - کسی که میخواهد تاریخ ملتی را نوشته باشد مقصودش یا این است که تمام گذارشات را بدون تبیین دلائل و مدلول بنویسد - و یا این است که جهت وقوع گذارشات را معین سازد چنانچه ثابت میکند که تمام وقایع لازم و ملزوم یکدیگرند - مبادات اخروی بعضی ها رشته وقایع، الازمه قوانین جبریه میدانند و بعضی دیگر لازمه پیش آمد کار و مقتضیات زمان مثلا میگویند اهمیت بدایم افراد بشر از کجا پیدا شده اند مبادات معادلات چیست قابل این هستند که تکمیل نفس نمایند یا خیر - و یا این است که مانند سبزه ارغوی برای محدودت دارد و در فزون متوالیه مطیع آن قوی میباشد - و از برای گذارشات دوره منسلسلی موجود است هر اندازه که نوع انسان قابل تکمیل است تربیت و تجربه تکمیلش چیست - راه پیدا کردن انسان متعلقه ترقی و تربیت و مبادات معادلات خواهد بود یا خیر - ما درین رساله بدون اینکه بخواهیم ادعا کنیم که حل تمام این مسائل را خواهیم نمود همه سر میبندیم که وقایع متمایز با افراد بشر اگر مطیع قوانین جبریه که لازمه احرام سماوی است نباشند مطیع بعضی قوانین دیگری هستند که تحقیق و تاویل در آن حائز از قوه مطالعه کنندگان نیست بی نوع آنرا اگر قوانین اخلاقیه اش رو برآید نباشد قوانین علمیه اش رو برآید هست همین مندرجه افراد انسان دارای حیات و نبات است حال را هم حیات و نباتی است ولی نوع بشر را نبات نیست و در فزون متوالیه و انقلابات متمادیه در سطح زمین دارای نوع غیر نباتی هستند مطابق طرحی که بجهت تاریخ و تربیت مملکت چین کرده ایم و نتایجی که بر حیران ما شده است، خواهیم نوشت در صوریکه این ممکن نباشد که ما برای این که سالی است که بطوریکه های زمین استیضاح کرده

هووانگ تی دو هزار و شصت و هشت قبل از میلاد

قبل از اینکه ازمنه تاریخی را مطرح مداریم باید قدمی از اصلاحات و مقدمات تاریخی صحبت میکنیم اول سال شهری با شمسی سرگت است، از پیمد و شصت و پنج روز و پنج این سال از قدیم الایام معروف چینی ها بوده و در تاریخ و سالی است که در آن زمانها اتفاق افتاده است شصت ساله که سلسله آنها تا سال شصت و یکم است، هووانگ تی بعد از آن پیدا میکند و مانند قرون اروپایی اختلافاتی در بعضی از مبادات از پیمد و شصت ساله

هر صد و سی و چهار سسی مینجی مطابق با سال سی و یکم دوره هه‌ماد و پنجم سلسله
شصت ساله بهوزی میران ششمه بین آن زمانه عو مهاده همین مغانی ود که مذکور دوشیم
از ابتدا تاریخ مسلم سنجی که چینی ها صورت دارند انی یونهاندا چهار هزار و پانصد
ساله شود ین دوره زمان که بمقتی بیست مملکت مینجی است ملامت تاریخی سایر ممالک اهمیت
و ترقی دارند در ین مملکت بیست و دو در زمان سلطنته گردید طمانست و دو انقلاب
ررک در ان پیدا گیده - ین انقلاب را (سی یوآ) دده که ما اورا (هوانگ تی) م
مگویم رهوانگ تی بدین امر انور آمد (در پناه و پنجم سلطنت آخر ین امراطور در زمان
(تیم) یکی از ساهرادگان مخالفت دولت بهاء شد و آشوب برهتی ظاهر صاحب -
سلطنتین دست رسانید که مرگ امپراتور مکن نام برری از ممالک را داشتند رشه انجاد را از
دست دادند بدین و سلطان ساهراده یعنی زطاعی کومی همت ره ین سعادت برهوه امراطور
اربر و لا علاج دست و پا از حدی د تا آنکه یار سائب - بعضی از سلاطین دست
داده ین خود (سال یو-م) در ین سلاطین ساهراده مملکت کوچکی بود اما ساهراده
یعنی سبیرگنی بود یو ساهراده در آن زمان در چین اصلی را دعین میساحب
تمام طرفین و نوارخ در ساهراده تمام ساهراده صاحب و جودس امالک طرف
مملکت چین در آن زمان و در آنکه شهر سبیرگنی در آن زمان بود و اهمیت بهینه شد
در ان سلاطین ساهراده که در آن زمان در چین ساهراده ای بره دهها ساهراده که
از ان سلاطین ساهراده در ین زمان در چین ساهراده ساهراده و ساهراده و سبیرگنی
و کردید سبیرگنی در ین زمان در چین ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی
شخصی در ان زمان در چین ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
در ین مملکت ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
تاریخ که در ان زمان در چین ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
و ان زمان در چین ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
هی سال ان زمان در چین ساهراده ساهراده ساهراده سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
از ان سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی
پدر سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی سبیرگنی

درختها را محو می نمودند و چوب های تراشیده را نیز لپارو نگار می بردند بواسطه همین کشتها بود که از سطح شطها ورود آنها عبور می کردند و از برای حرکت و سیر هر نقطه عریبه ها و چرخهای زیادی بساخته اسامی تمام مخترعین در کتب عام مورخین چینی ضبط است میگویند که (هوانگ تی) جناب را متلاشی کرده و از منوی را مسلط نمود و از برای سهولت تجارت راه های در رکب بساحت و حدود مملکتش را وسعت داد پس از طرف مشرق بدریا وصلی کرد و از طرف شمال به تاتار قدیم و از طرف جنوب شط (کوانگ تی) این شط از برای مملکت از طرف جنوب حصار حوی بود در این زمان بود که روابط ما بین حلق و مخلوق مبین و معلوم کسب بنای نژدی برپا نمودند و مردم بجهت قربانی و تدوین برای سلطان آسمانی (شانگ تی) در آن بنا حصار میسازیدند در همین اوان بود که دامنه تجارت وسعت پیدا نموده و بجای معاوضه احساس پولی ساختند که در خرید و فروش نگر میرفت این مسئله خیلی معین و نمد تری و تمدن گشته میگویند که از خارج ملل مختلفه به تربیک و نهایت (هوانگ تی) میامند از این جا معلوم میشود که دو هزار و ششصد و یخه سال قبل از میلاد در اقصای شرق مردمانی بودند صاحب تمدن که بسکلی مخصوص زندگی میکردند زوجه هوانگ تی (لوتی نسو) علم تربیت گرم ابریشم را بر عیبت پیاموحت و یغهاها تعلیم کرد که چگونه از آن ابریشم لباس بدوزند این صنعت در چین ماندازه رواج پیدا کرد که مخترع آن (لوتی نسو) را از حدایان میدانند او را نام روح درخت توت و گرم ابریشم نامت ساخته اند علم و آئین تفوائیکه در مردمان برهبر کارهست (هوانگ تی) است میدهد و میگویند رساله های زیاد در باب علم طب نوشته که حتی از آنها ملامت موجود است از برای حفظ و حراست صحت امکان بر جها و انبیه زیادی بساحت و از برای تربیت و تعالیم اشخاص جوان مدارس عقیده تأسیس نموده و بدین لحاظ او را مقص و مانی مملکت چین میدانند دوره زندگی او صدسال طول کشید مطابق عقیده پیپی ها سنطتی معتقدتر و ه سعادت تر از سلطنت این سلطان تا کنون نیامده است یک مطلبی که خیلی اهمیت دارد این است که مورخین چینی از برای سعادت اول سلطان تاریخی چندین عمره و صنعت گر قائلند و میگویند این صنعت گران در مغرب چین پیدا شدند پس در حوالی کوه (کون لون) که چینیا (مرد) میگویند در اطراف این کوه چشمه پیدا میشود موسوم به (هوانگ هو) میگویند اوصاف حیرانگیزی این سرزمین بیشتر باعث تمدن و تربیت مردمان شد ولی نباید گمان کرد که این حریفان از جهت است چه پس از قدری مامل معلوم میشود هر

جا که بوی امادی و تمدن است بواسطه آب ورود خانه پیدا شده و همیشه تشکیل شخص در
 اعتدال شطوط ورود خانه ها میبندد و مانند سیر و حریان آنها از امکانه مرقدینه طریقت حرکت
 می نمودند ملاده چیزیکه مطرح گشتگو میگردد این است که دیوان خانه امپراطور های
 بزرگ چین در ایالات عسری که محاورند بجهت (تخت) استقرار پیدا نموده بود استی
 از جبر های دیگری که حالی از اهمیت نیست این است که از بدو آریه تاریخی رئیس مملکت برای
 خود لقبی انتخاب کرده که اشتقاق آن از اسم سداس به علاوه در تمام السه نژادهای (آری)
 از (ساکرپ) و فرانسه و عرب این کلمه مرادف سدا و پروردگار است پیش از
 (هوانگ تی) یعنی سلاطینی که قبل از ازمه تاریخی آمده اند و یا قارن بازمه تاریخی
 موسوم به والک (سلطان) بودند صولی نگشید که لقب سلطان فلکی که کنایه از آسمان است
 بسلطان چین داده شد ولی چون تلفظ پروردگار همیشه کجا بزرگ (چانگ) املاق میشود
 سلطان چین تالی و نایب مذاک سلطان آسمان میگردد از تمام این تحقیقات همچو معلوم میگردد
 که اعبت نازه سلطان و ملطوب میں داده شد و آلام و آثاری ما و سبب دادند که سابقاً
 هیچ نبوده یعنی که سلطان و امورات سلطانی را از تأییدات عیبی دانستند و رئیس مملکت را
 مأمور از جانب پروردگار (هوانگ تی) اول کسی بود که اقتدار مدهی و حکومتی را در
 حظ واحدی قرار داده و خود را رئیس طریق صاحب میرها برای قربان ترتیب داده و
 قربانیهای زیادی بجهت فادر متعال جمود بتوان اینک خودش ثابتند آن سلطان بزرگ است
 در سطح زمین (سلطنت جا و جا او دو هزار و پانصد و بود و هفت سال قبل از میلاد)
 در زمان سلطنت جا و جا او که جانشین و پسر (هوانگ تی) بود و سلطنتش تقریباً هشتاد
 سال طول کشید مردم ستایش مری کل و پروردگار عالم را فراموش کردند و حیالات صحیحه
 اصلیه منقوله در جانب نهملات و نشرهات مدهی و قربانی مستمال شد علم موسیقی جدیدی
 که مناسب این تربیبات نازه بود اختراع نمودند خلاصه این امر بطور آگرچه آورده حیالات
 باطله کشته ولی دسب از منافع و اصلاح مملکت حویتن آکسپده طرق ع- مده بجهت باز نمود
 و کتب رودخانه ها را امر فرمود باک نمودند و قانونی بجهت الهیه بختهدین و فدای ترتیب داد
 که بر حسب شئون آنها بکار رود این قانون امروزه هنوز معمول و متداول است در زمان
 جلوسش تحت سلطنت اهائی دیوانخانه اظهار میگردد که سببیکه موسوم است به ملک هوان
 (مصرع افسانه که ظاهر نمسود مگر در زمان سلطنت ملایین عادل) در آن اوان خاتم

شده است ایمرخ را که بشکال مختلفه تصویر میدویدند نشانه حوری از برای لباس مجتهدین گشت این عادت امروزه هنوز در بعضی نواحی در سینه تمام افایان مذکور ایمرخ را می پندند که تمامش مازر دوخته شده جوان هیونوه این سلطان در دو هزار و پانصد و سیزده سال قبل از میلاد وارث ناح و نخت سد و چیزیکه نمک رسپدن او بتاج و نخت شد قانون انتخاب بود بهی در آن زمان رسم بود که غالباً سلاطین را پس از مار عام منصوب میدویدند این سلطان خیلی بزرگ و عادل بود چه بواسطه یاری طب و طبنتش کسر او هلم نمود و وزیرانی معین کرد که مواظب امور مذهبی باشند و موجودات محرده را از افراد انسان تمیز دهند ریاست معادن را یکی از مجتهدین فو بهی نمود و ریاست مباء و خاکها را بیک مجتهد دیگر داد چونکه مر جانوانه قبل داشت که او برای فرمان ملای مخصوصی داشته باشد سلطان امر فرمود که جز خودش دیگری حق فرمانی و تدویر و سیاز برای قادر متصل نداشته باشد بعضی امپراتور بتقوم بداد و ابتدا سال را اول ماه بهار قرار داد مورچین چینی میگویند این موع بهرین م واقع بود از برای اول سال زیرا که تمام موجودات در این فصل هبجان و حنجان در سطح زمین پیدا میکنند و پنخ سپاره که در برج (انبکش) قرار گرفته باهم تلافی میکنند همین مورچین میگویند در زمان سلطنت این امپراطور مملکت چین خیلی وسعت پیدا نمود چه از طرف شمال به ناتار و ر جنوب (کس سین) و از مغرب صحرائی شن رار و از مشرق مدیا تمدد میشد (سیکو) نوه و حنشین این سلطان در سال دو هزار و چهار صد و سی و پنج وارث نخت گشته اول کاریکه نمود تهذب اخلاق و تربیت روح رعیت بود و از برای اعلم آن علمای متدجر مقرر ساخت و از برای علم آواز قواعد مخصوصی درست نمود میگویند چهار زن گرفته و از این تاریخ قانون گرفتند چند زن در چین معمول و مداول گشت بهر نحریکه حواسنه باشند تصور رواج این قانون را در چین بگفتند هر سه رت اهمیت بزرگی در اوصاف ترقی و تربیت این مملکت داشته علاوه کمی نمیتواند بهفیده (مونتسکیو) دانسه نشود و ترویج این قانون را بواسطه مساعدت و هوا بداند در سورینیکه این قانون در مملکت سربك آنها خیلی رواج دارد امکنه میگویند رواج این قانون مناسب مآب و هوای چین نداد بواسطه این است که نواحی شمالی چین تا برغال و اسایبول در امتداد يك خط است ازی مستند می عرض سان نسبت بمرکز زمین یکی است احتمال میرود که جمیع زمان چین ، ترویج این بواسطه قانون تکثیر زوجات است ولی از طرف دیگر

کلی ضایع نمود در سال صد و سی و شش از اول یانویه تا آخر تابستان بارندگی نشد در شصت و سی و هفت در ماه پنجم در مشرق رود کینانگ زمین لرزه هویدا گشت در سه صد و چهل و یک در ماه اول سال برف عظیمی بیامد که عمق آن در بیلاق تقریباً سه یا بیشتر (از برای اینکه جواب ایرادهای بعضی سردمائی که جمعی اشکال در خصوص تاریخ چین میکنند کلمات مسبو آمیز را که از علمای مبلغ و سائی فرانسوا اسپ در چین ذیلاً میگذاریم) مختصراً میتوانیم بگوئیم که سالنامه های چینی با آثار تاریخی سایر ملل ترجیح دارد زیرا که اسامی و نامهای قدیم که تمامش بر از اعراف است در آن سالنامه ها دیده نمیشود تا آنجا که این سالنامه ها باید خیلی محل و ثوق ما باشد زیرا که بجهت تمام عهد آن رسد های زیادی کرده و آینده با آن روزی بجهت آن در دست دارند از اینجا معلوم میشود که مورخین شیخ را که در این سالنامه و بی اصل بوده چه رسد های هیتاق و ادبیه و آثار تاریخی ذیل در دست دارند. این سالنامه های چینی با مطالعه اهمیت دارد که در سلسله این علمای دانشمندان میتوانستند برود اوپه عالم ترستند و حالات و گذارشات که در آن از همه اشاق امتاده بدست آوند عهد شصت ساله را که در این اوان هر عهد آن رسد عهد میشمارند و ابتدای آن از دو هزار و شصت و سی و هفت سال قبل از میلاد است نیز بعد و همین حونی از برای پیدا کردن تاریخ ازمنه و اعصار بدیده است سالانه گنت معرفه الانبیا سالین با وجود مطالی که در آن فرو گذار شده ر کوی نحواسته از پیش خود چیزی با صمیمه نماید و رساله های بسویه الزمان که دور ساطت امپراطورها را از چهل هزار سال پیش از این تا اکنون بطور نیکوئی نموده اما هادی حونی بجهت مورخین و محققین میباشد و افعلاً این سالنامه ها از ادبیات و مستندات خیلی صحیح و متین قلمداد شده چه هیچ کتابی را در عالم نمانده است که در آن سالنامه ها بطول زمان یعنی در دوره هجده قرن از صحیح عبوده اند در صورتیکه در سلسله انزه که علمای این ممالک بدست چهار رفته با آن سالنامه میافزودند خلاصه این که تاریخ چین جامع تمام کتب و تاریخیات تاریخی میباشد بخوبی که اراد هیچ تاریخ دانی بر آن وارد نیاند

(سالنامه باغوسا دو هزار و پانصد و پنجاه و سه سال زده پانزده)

پانزده سال کجا چین عید پنجم

تاریخچه را که مذکور داشتیم از ابتدای سال (۱۸۸۰) شروع میشود بشرح سبب آن از صاعده متعصبانه این امر را باور است و از اطلالیانیک در خصوص شیخ اول از همه داده است و از

امپراتوریکه در خصوص حشرات طیفیان آب داشته و از قبول کردن و اجتناب نمودن یک زارع عاقل ما سواد بر اجداد حکمرانی و ولیمهدی (شولینگ) بگوید بواسطه حالات و طبقات نسبی که داشته خانواده او کمال راحتی و آسایش را داشتند و ما بین صاحب منصفان نظامی او قلم و ترتیبی بوده که هیچیک از خود تخطی نمی نموده و تمام ایالات و بلاد او اتحاد و اتفاق بزرگی ما بین افراد رعایای بود و انتخالی که همیشه مراکز افعال و ذیاب و زشت میشدند بواسطه قوانین خوب این سلطان تمیز حل بدادند و این ترتیبات منین است که صلح و صلاح در تمام نقاط و امکانه چین هویدا گشت از همین تاریخ نامه معلوم میشود که امپراطور از برای رصد کردن ساره ها و پیدا کردن قوانین حرکت آن اجرام و تطبیق نمودن امورات انسانی با سیر و حرکت آنها بی اندازه زحمت کسب و جهت آن که نشناختن این بود که ملل از زمان جبالانشانی عالی تر و بهتر از حیالات مردمان امروزی بود و این معنی که روابط زیادی ما بین کره و کران دیگر تصور می نمودند بر سبب امر یا تو دو وزیر یک موسوم به (هو) و (هو) بودند مسئول به پیدا کردن اصول قواعد حرکت سیارات مخصوصاً ماه و خورشید شدند تا آنکه عددها تمام حرکات محتامه آن کواکب در دست ما شد از این رو از منته وصول را مردم خوب بینا ساختند چهار وزیر دیگر که عالم علم هیت بودند نیویا، حو مختلف فرستاده شدند برای اینکه طول روز و وضع کواکب زمین سازند یکی از مهماتی که روزی می گذرد از ده ذیلا معلوم می نمودیم از تعادل سوره و پیدا شدن ساره (ساره) معلوم میشود که در وسط بهاریم و از مابقی روزها و پیدا شدن ستاره (هو) معلوم میشود که در وسط استایم و بعد از تعادل سب و روز و پیدا شدن ستاره (سو) معلوم میشود که در وسط تابانیم از کواکب سب و روز پیدا شدن ستاره (مانو) معلوم میشود که در وسط زمستانیم و در یک انسان در خصوص رصد هایتیکه در چین کرده اند از برای تعیین حرکات کواکب و حرکت وضعی و انتهائی زمین بر دور عبات فکر می کنند می مانند که چند کار متکلی است که در ده هزار ساله میسر می شود و تا پیش از میلاد چینی ها ساله شمسی را پیدا نموده اند و سال را با چهار فصلی تقسیم کرده اند هر فصل از دو ازمه ماه کرده اند و سال در سال که در چین مستور است (امپراطور) در وزیر بر آن که موسوم با (هی) و (هو) بوده و در راست مجلس هیتیم و منهدی را دانسته اند خواستند ایشان اظهار داشت در خصوص سال شمسی سیصد و شصت و پنج روزه و سال قمری دوازده ماه و چهار فصلی شمسی بخشانند چرا که پس از تعیین از ماه و اصول حرکتی ایشانند تا کمال و در

بکارهای خودش رسیدگی نماید و از این فراز نظم بزرگی در کارهای مملکتی پیدا خواهد شد.
 کیلی که در علم هیئت و وزن چینی بدلولائی داشت نیز مطالب ذیل را مرسوم میدارد
 (از روی فصول ارباب نمیتوانیم زمان سلطنت (یا او) را پیدا کنیم و نیز می توانیم بگویم
 در چه سالی این قوانین را پیدا نموده ولی همیشه در می دانیم که تقابل شب و روز و اختلاف
 آن تقیبتش نسبت بجهار برج مذکور تا یک اندازه بواسطه او شده است و از روی همین قانون
 میفهمیم که (یا او) دو مزارع و سال یا دو مزار و دو پست سال قبل از عیسی سلطنت کرده است
 ما بیشتر از این از مطالب هیئت چینی ها سخن میبریم چه آنچه را جمع به دست چینی ها است
 تعلق به هیئت دانستنی دانستند میگرد) — رسی که یکی از نویسندگان است به شرح میدهد
 (یا او) در سال پنجاه ساعتش روری بممال عمومی رفته و در اطراف آنکه در آنجا هفتاد
 مطالب ذیل را بصورت نظم آورده سخنرانی (ما بین اشخاصی که ناگشون مطالب کرده
 و اسباب عذاب و دراهمائی حاق شده هرچند که ما میل تو آورده اند هر کس که معرفت
 بحال تو پیدا نمود معرفت بحال هیچ چیز پیدا نموده خلاصه ما باید بمر متذق
 امپراطورمان رفتار کنیم) (تونگ چی) در کتاب (ایستائی کیس) میگوید در همان
 سال پیر مردی که بر حسب اتفاق در جاییکه (یا او) عور میگرد میگذشته مصاحبه ذیل
 را بصورت شعر میخواند و کاهکاهی جوشش را زمین میزد (همیشه گفتاب از طرف مشرق
 طلوع میکنند من شروع میکنم بکار کردن و همین که غروب میکنند از برای راجع کردن
 مصمم میشوم وقتی که آشنه میشود از آب چاه رفع عطش میکنم زمانیکه گرسنه میشوم از
 کدو که در مزارع خود کاشته ام مد جوع میکنم حقیق ندارد که امپراطور اندر ملک ها
 میبردند) این اشعار را حتی الامکان نموده الاصلی ترجمه کرده ایم تا آنکه بصورت مسموم
 مطالب حکمتی آن در دست مرسوم در اندک بسودا امپراطور مد آورده می شود القلوب رعیت
 بود چه همیشه سرگشته بیلاب و بلاد محلیک و کرد و کرد و احاطه همراهِ و مهای پیرد و
 ایام آگاهی پیدا می نمود غالباً درد زحمتش آن بود (مبادا کسی از رعایا احساس صبر نماید
 چه اگر کسی احساس سرما کند بواسطه عذاب من خواهد بود در صفا رعیت من گرسنه
 باشد و یا آنکه دو پلنگه در طایفه هو انانکی اندر بر اطراف توایی و نند در من است و در میهای سلطان
 به بلوک گردشی در طه بود پیر مردی از همین جهت مردم را یاد بر آورد ایستادن و مسموم
 خواهد که در ز بردر و عمر و در وقت بیازاید رعایا را و از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه

و عاقبت حوای سلطان لا تحمل مانده پسر خود مپراطور بواسطه رأی پدرش سلطنت قبول
 نشد چرا که مطابق قانون عدالت جامع صفاتی که باید در سلطان باشد نبود پس صادق القول
 نیبورد و سلاوه میل به تراغ و جدال داشت در متن عبارت تاریخ چین اگر ملاحظه شود مطالب
 (یاو) را مختصر تر و مهمتر از آن می بیند که ما اظها. داشتیم مثلاً همینقدر نوشته است کی
 می تواند مطابق زمان راه رود اگر همچو کسی پیدا شده ما او کار داریم در این عبارت مهم نمی توان
 تصور نمود که مقصود سلطان پیدا کردن وزیر عالی بوده چه اگر مقصود انتخاب وزیری بوده
 و زرا آن رای این کار معرفی پسرش را نمیشود در زمان سلطنت همان امپراطور بوده که
 طفیلان عظیمی هویدا گشت بی در سال تصد و یکم سلطنت (یاو) که تقریباً دو هزار و
 دوست و شصت و هفت سال قبل از میلاد مسعود امپراطور (یاو) مدد از سلطنت طاووی
 خود را جلی صعب و محبت دیده خرب که نمی توانست تحمل رسالت را نکند نهاد نازدیکر
 بوژا ملک احبار داشت که هنگام سال است که من سلطنت می کنم اگر ما شها کو پیدا
 می شود که قابل سلطنت باشد هر آما او را وقت شج و ابح میکنم تمام و در ادر حرات
 گفتند که (یرین) اگر چه من من و هورن مکره و از خانواده پی نام و لذایست
 سزاوار این مقام می باشد امپراطور چه حرات گفت که من او را میشناسم شهاها در این باب
 چه جهال میکنند احبار و اشرافی که در آنها بودند اخبار دستند که (یوجن) اگر چه پسر
 یک سحر استی است که نکلی بی سو و بی کمال است و اگر چه مادوی دارد شرور که او
 جلی صدمه رسانده و زورش (سانگ) دارای کردی است است او کن خودش از نکالی که
 نسبت به پدر و مادرش داشته سر به پیچند و همیشه مطالب صبح و صلاح زده همین (یوجن)
 رفتارته اصلاح و عادات خارا از خود را هدایت نمود و امپراطور در حرات که مایل دارم که در
 دختر خود را در سن ۱۰ در آورم بلکه بهم ابا چه من را لوک میکند و چه طور
 آنها را تربیت می نماید که در ده دخترش را مالک و سر و صاحب در آورده و
 هر دوئی آنها امر فرمود که اطاعت من خود را بامداد است و از هر چه منوی می
 شود که قانون چندین گرفتند و هرگز و بعد از آن در چین با وجود شها که پراورد در جهان
 ملک است بی در این باب من فرمودند و در این عبارات بر چین که ابح رشتن نمائند است
 بودند بلکه در ارا در عین من قدم در عالم و برابر تر بر این است و نوالس خود
 احبار است که در سو تمام سال ۱۰۰۰ که در ۱۰۰۰ را در ۱۰۰۰ را در ۱۰۰۰

دسته (اگر چه حتی مورخین مگویند (چین) از نسل هوانگ تی بوده) معلوم می‌شود که
 امپراطورهای چینی علم فلاحت را خیلی محترم میدانستند، این احترام باندازه اهمیت دارد
 که از سه چهارم رسال قبیل تا کنون در فصل بهار امپراطور دست خود چند حطی در محل
 زراعت می‌کشد در فصول آبی شرح آثر مفصلاً خواهیم دید. امپراطور (یانو) بر مشی از
 بری سایر سلامین بود مخصوصاً در خصوص آنکه حقیقت و راستی چگونه باید در مقرر
 سلطنت نمودند چه که می‌پدید می‌شد. در روزی عمارتش لوحه فرار داده بودند از برای
 اینکه چینی‌ها اگر برای کسی از بی‌دورت مملکت دارند شکارند، هر اینکه اگر عیب و
 قصوری در تمام کارها ملاحظه می‌شود، بدین معنی بر آن لوحه شکارند، در پهلوی لوحه طلایی بر
 تر داده شده بود بر روی شبکه شخص که آنشب حیوانات و در راهی بوییدر بواسطه آن
 طبع در ظروف و حقیقت در ظروف از آنکه در مینور است شخص نگارنده راهی
 طبعند و از برای عدل‌گترین و متنظم‌ترین در آن اطلاعات آن شخص را غنیمت می‌شمرد در
 تصویر نقره سه که یکی از تصویرات طلایی فلک‌چینی است که در روی پارچه ابریشمی کشیده
 شده و الحاله در کتابخانه سلطنتی پاریس است. مجلس مریور را کشیده آمد و از همان
 تصویر معلوم می‌شود چه ادارات بزرگ محلی در چین بود که آذرباش دو صفحات مقرر مثل
 سایر ادارات عالی از غده پست در تاریخ ماه مردم چینی ملاحظه می‌شود (احتمالاً و مهرمانی
 و هوشمندی و بلاغت و وقار (چین) در حله کمال رسیده بود و مخصوصاً بواسطه نجابت و
 صدایی که داشت سایر هر جاییش یا ممتد حلون نمود چون امپراطور این صفات ملکوتی را از او مشاهده
 نمود او را در آنجای که می‌بهره است) و در در همین کتاب ملاحظه می‌شود که شخص شخص
 (چین) مؤسس پنج قانون است که همیشه تاب و راجح بود و آن پنج قانون عبارتست از
 تکلیفی که پدر، پسر، برادر، برادرزاده، و برادرزاده و برادرزاده است بیکدیگر
 راوند سر منشأ اصناف مردم را در میان که خیلی از هناری زیاد چینی‌ها است باعث شده
 است که این نژاد در طرف، پسر، برادر، برادرزاده، برادرزاده، برادرزاده و آداب و
 رسومات پیدا کردند است حکمی چین رحمت عمده (ده ناله) عادت قانون که همیشه
 پندهاییک در همه بلاد است. این کتاب که در تاریخ (یانو) و دو جلدین و وارثین
 (چین و یونان) بود این کتاب است که همیشه در همه ایالات چینی مؤثر گردید و شوخی برادی
 بر آن است.

در سنه دومزار و دوویس و هشتاد و پنج قبل از میلاد

چن شریک سلطنت میکرد

در سنه دومزار و دوویس و هشتاد و پنج (چن) شریک تاج و تخت گشت قبل از آنکه (یاو) (چن) را سلطنت و حکمرانی منسوب سازد او را بمحک امتحان نزد و خوشخانه از امتحان خوب در آمد روزی سلطان (چن) را طلبیده (گفت نزدیک بیاید هر یک سال است که در اعمال و افعال شما غور و موی میکنم جز خوبی و کفایت چیز دیگری در شما ندیدم لهذا باید کفایت شما را منظور دارم و شما را منصوب بحکمرانی و سلطنت عايم) (چن) در جواب گفت که من بلحاظ آنکه در برهبر کاری و درستی عمر به عالی نرسیده ام نمی توانم از عهد این کار بزرگ بر آیم و قبول و بعهدهی شما را بکنم در کتاب (شوکیک) زحمتهایرا که (چن) کسبده و کارهایی را که در اوقات سلطنتش کرده تماما رامسطور داشته اند در ماه دوم سلطنتش نواحی شرقی مملکت خود را گردش نمود - در همین اوان مقبوس ازمنه که عبارت از ساعات و روز و ماه باشد همین ساحت و تصرف زیادی در تقویم نمود چنانکه امروزه بهمان شکل باقی مانده از روی قواعد همین تقویم است که تعادل شب و روز چهار باید در ماه دوم سال باشد و تعادل شب و روز پانز در ماه هشتم سال باشد و اختلاف تابستان در ماه پنجم سال باید باشد و اختلاف شب و روز زمستان در ماه یازدهم یکی از کارهای دیگری که شخص شخص (چن) کرده این بود که آهنگ مقیاسات موسیقی را منظم نمود و مقیاسات و اوترا و ترازوها بیکه دوامکننده مختلفه اختلاف پیدا می نمودند تماماً را متحد الشکل و الحیس ساحت از کارهای امپراطور معلوم میشود که وجود اینکه قبل از نایل شدن بسلطنت يك زاوی بشش نبوده میباشد از وضع سیاسی و حکومتی اطلاع خوبی داشته حال آنکه پناه ساله بشش ناست که اینگونه ترتیبات را ماهها قبول کرده ام بعد از آنکه از برای پیش قانون مذکور و تشریحات مقرر صی قرار داد و از برای الاب و ادوات سر مشی معین ساحت امپراطور معین از هر حدود مراجعت صکرد و بعد پنواحی جنوب و شرق و غربی تمامک خود حرکت نمود و همان تعبیراتی که در نواحی شرقی داده در این نواحی بر داد پس زاینکه ادوات ملکی را منظم ساحت مقرر سلطنت مراجعت نمود از این تاریخ پیمد فرار داد که در هر پنجالی يك دهه پس از آنکه خود عاظم شود سلاطین دست نشاند هر چهار سالی يك دهه بدیدن او می آمدند و هدایا و پیشکشهای خود را تقدیم

پشتگاه سلطنت می نمودند و علاوه حساب کارهای خود را میدادند پس از آن در حساب امر دولت گفتار و رفتار آنها را با امتحان درآورده آنها را که قابل رأیت ملوکانه بوده نوازش میکردند و از همه قبلی عطیة ماسند همراه و لباس و غیره مانها مرحمت میشد خلاصه رجال مملکت که به علو و ارتفاع شئونات چون حسد میبردند سبب اعتقالات مملکت شدند و پسر یا ثو مان رجال کمال همراهی را داشتند بدین لحاظ چون تمام آنها را نمی داد نمود و مملکت را از شر آنها مستخلص ساخت همین امپراطور از برای سبب مردمان محرم و طایفه قوایین جنیدی وضع نمود و کتابکی در بار سیاست عرفیته نوی داد میشدند و کسانیکه خطاهای جبری میکردند در حکمه مطلق تنبیه میشدند و در مداس شاگردها را با چوب جیدان تنبیه میکردند و قانون دیگری که وضع نمود این بود که بوسیله پول دادن عمو یعنی حرام عامیان بشود و علاوه خطاهاییکه سهواً از کسی سر میبرد محبتیده میشد ولی در عوص کسانی که مصر در ارتکاب افعال رشت بودند و علاوه برور و تعدی، کار خود را پیش میبردند سخت مورد سیاست میشدند مطابق همین تزیینی صحنه مذکور شد امپراطور در احرائی قوایین خود کمال مواظب را داشت مع داللت به صاحبان سفارس کرده بود که در موقع احرائی سیاست حتی الامکان رعایت محرمین را میکنند و منظر شعوت و دلوسوزی بدیشان نگاه کند مملکت خود را بدو آزرده و سبب تقسیم نمود که مرسمت از آرا جنو (ایالت یا جزیره) مکلفند و از برای شناختن آن دوازده ناحیه دوازده علامت در روی دوازده کوه صب نمود و بحاری ریادی از برای جریبل آنها حدیر کرد امپراطور در رس صد و هجده سالگی دنیا را وداع آید چون دوره سلطنت او تماماً صرف اصلاح امورات ملتی و دوائی بود سه سال تمام عرانداری او را میکردند این عادت تا امروز امتداد پیدا کرده است چنانکه اطفال سه ساله از برای والدین خود سه سال عرانداری میکنند، در اوقات عرانداری امپراطور در این مصیبت شرکت میکنند روز اول ماه اول سال یعنی دو هزار و دویست و پنجاه و پنج سال اول از بهلاد در اطالی که معروف به اطاق احداد بود چون وارث نوح و نوح گشت آتی در این اطاق بود که تمام آن مرصع بجواهرات شده بود بواسطه لوله منحرکی جواهرات اراملاحظه میکردند چون بپوش ملاحظه این نسبت آنچه را که راجع بود بهت سبزه تماماً را پیدا کرده بنظماً مستطورد داشت طولی نگشیده که هرانی بزرگی از برای قادر متعال نکرد و شرهائی را که از برای شش روح محرر حبال و شمنوط و سایر محرمین میکردند نمود همین امپراطور در زمان سلطنتش

حکام دوازده ایالت مملکتش را که موسوم به مو (چویا یا یانجیان) در واسط و مطالب
 ذیل را بدیشان اظهار داشت (اکنون همه چیز در مملکت ، و در او قبیل بختیه و
 اطعمه و غیره کاربند باید نکند) این است که او وقت خود را امر کند و راز رسیدگی بحال مردم
 عجب آنکه باید با گسائیکه از راه دور ببینند با کمال آسایش سلواک نمایند و شخصی را
 که بجا نزدیکی و بیست کیلومتر است که صاحب فصل و کاشانه نری یاد دهند و مردمان
 نیک است بختیه نادره باشد با گسائیکه احلاقیان باشد است و بختیه نادره است
 باشد بختیه نادره است و تیره و در نماند و حساب خار و ا ...
 خواهند آورد)

هر سه سالی یکبار در راه از سع و نونک ...
 استعدایش و تفریح در راه با ...
 میساحت در سال پنجم باطنی امر فرمود که حسن برگی آورد
 و نواترا که ...
 آن وقت خاص در میان هر این ...
 به بود حرکت نمود (بوعبارت دیگر چهار هفت است که در ...
 سابق بجهت قادر متعال درائی میدود ، چه دران اولت شود و بعد از آن در مملکت بنا
 شده بود ...
 مورخین بگویند همین سال بوده که تأسیس مدرسه دولتی بود از سوی اکابر ...
 و رجال در آنجا عام موسیقی و اشیا و تشریفات ملی و رقص و غیر آن جاری شد
 حلامه آنکه چین از برای ترقی علم و موسیقی خیلی رجحان کرد و در راه ...
 تشریفات ملی زیاد دادند و امر بطور چنانکه مذکور شد تا هم در وقت زیاد ...
 نمودن بجای ندره های سحر و سحرهای و حساب و امانت های که در راه ...
 سیاستهای تیره و مردمان مثل در او چین در همین راه ...
 صورت آنها را با این داعی کردند و در این وظیفه با نایب از ...
 را حسی دیدند از آن با خود که واضحه ریاضی ...
 بر فاشه شد پس در این حقیقت مصر مطالب ...
 پیدا شد بجای آن با آنها با تیره و چه حواله ...

قانون پیامت آن باندازه خوب است که امروز هم بدان و تیره عمل میکنند قبل از اینکه جن
 بتمام سلطنت رسد پس در اوقاتی که وزیر اول پائو محسوب میشد از برای دفع خسارتهایی که
 از طغیان آب بظهور رسیده بود و نیز از برای درست کردن مجاری آنها شخص جوانی را انتخاب
 کرده بود موسوم به یو این جوان شخصاً دارای مرتبه و شایسته نبود لکن میگفتند که مانند خود
 جن از نسل هوانگچی است همین جوان بود که با کمال مهارت جلوتری از آنها نمود و مجاری
 که از برای آنها ساخته است هنوز مورد تحسین است در سه دو هزار و دو بیست و هفتاد و هشت
 قبل از میلاد که قریباً زمانی است که از طوفان بوح هم سبقت دارد کارهای یو با تمام رسد
 بموجب همین کارهای بزرگ که دلیل فاطمی از برای تسلط انسان بر طبیعت بود مملکت چین
 از خطر عظیمی استخلاص یافت پس از طغیان سایاه که از دور رود نرک اتمم مملکت هوندا
 میگشت اگر چه طغیانهای دیگر هنوز اتفاق میافتد لکن کاری بمملکت ندارد در رساله شو کینگ مطالب
 ذیل مسطور است که تمام از مشکلات یو محسوب میشود

در وقتیکه سلطان و وزیر جلو گیری از مشکلات مملکت مینمایند امورات مملکتی منظم خواهد
 شد و فاصله کمی ره پای صراط پر هیز کاری را پیدا خواهند کرد امرانور در جواب گفت که
 ایها راست است این فیصل مطالب عالی را نباید محی و مسطور داشت هر ایته اگر بتوانیم اجرای
 آن مطالب را بکنیم مردممان عاقل را لکن از بیم در صحراها و زمینهای بایر قلم شوند و اسباب
 اتحاد ممالک مختلفه گردیم و ملل عالم را مورد توجه خود سازیم و دائر و پیش خود را در جنب
 دائر و پیش دیگری مستهلک سازیم و کسانیکه وسیله و صمیم و حلال تشکی ندارند مورد بی اعتنائی
 بسازیم و قرا و بد بخانرا از دست بدهیم اوقات دیگر نقصی در نظم و نظام مملکت شواهد بود زیرا
 که تمام این صفات چیزهایی است که امیر اطور بزرگ ما پائو پسندیده و محری داشته است (بزرگ جواب
 گفت یقیناً کسی که ملایع این توان این باشد کمال سادت و حوش محی را پیدا خواهد نمود و آن کسیکه
 منکر آن شود بد بخت و ورکار خواهد شد و حقیقت او مانند حقیقت سایه و انعکس صدا
 خواهد بود) کلمات مذکوره خیلی بایه تمسین است مخصوصاً وقتیکه از دهان وزیر بیرون آید
 آنچه را که وزیر دیگر موسوم به (بی) میگوید باز کمتر قابل تحسین نیست (انسان باید همیشه مواظب
 حال خود باشد از خود عدالت نورد نکند باید گفتار این وعادات مملکتی را تغییر دهند و خود را بر
 گرم طوولب سازند و امشرهای غیر مشروعی در ندهند و وقتیکه مردمان عاقل امر و فرمایش
 میآید از آنچه که گفته اند سر نه پیچید و همیشه سعی کنند در تبعید اشخاص فاسدیکه دور آنها را

گرفته اند و اگر در مقام گفتگو شک و ریبی در حل یکی از مسائل پیدا میکنند در قطع آن عجله نمائند بلکه صبر نمائند تا آنکه اطمینان و آگاهی از برای حل آن پیدا کنند تا میسر عقلان باطنی بجیزی حکم نمود مخالف از آن نمائند و همیشه با رطام را منظور نظر خود داشته باشند و آنرا با مصلحت شخصی خود مطابقت میکنند آخرین عبارت نصایح وزیر (یی) به پو که تازه تسلطت منسوب شده بود حاوی قلموی است که هنوز در مکنک چین مانند مکنک اروپا نمود پیدا نکرده است و آن عبارت است از سلطنت کردن مطابق مصلحت و آرزو و رأی ماب اگر چه در متن تاریخ چین متوشنه است که باید آراء رعیت را منظور داشت بلکه نوشته است باید صد خانه واده را با خود هم رای و هم جهال ساخت هم رای ساختن صد خانواده را خود - یعنی همراهی ماب حتی تمام ملت زیرا که بر حسب عقیده یکی از مبلغین ملت چین ابتدا دارای صد خانواده بوده که از طرف شمال غربی بروز و ظهور پیدا کردند - ولی یکی از چیزهاییکه باید خوب مانتت شد این است که در از منته قدیمه حتی امروز هر خانواده در چین بی بهره از اقتدار سیاسی نبوده و در زمان حساب نمودن آراء مفساس را فامیل (خانواده) برابر میدهند چه هر خانواده بی حد ذاته مستقل و مستند به رای بوده همانطوریکه سلطان استقلال در مملکت دارد رئیس خانواده استقلال در خانواده خود دارد پس رئیس خانواده سامن کل کار های متعلقین خود میباشد و از هر حیثیت مسئولیت با او است این قانون که ریاده از چهل هزار سال بحری است نکای مخالف با قانون شخصیتی است که در انحصار اروپائی پیدا شد، اگر چه قانون اخیر دارای حریت زیادی است آنکی حالی از فساد و هتاق بسبب خلاصه اینکه ما اندازه عقل و پیش و حالت انقطاع و بی ضروری و عدم طرفداری و عشق و نوع پرستی از امر اطوار های قدیم چین می بینیم که در شرح آنها بی احتیاج منتشوم صحت های امر اطوار های مذکور به پیچوجه ما صحت های مسطوره در کتاب (مردت) و (توشدبد) و (نیم ابو) مناسب ندارد چرا که اگر زینت و شکوهی در کتب احمره پیدا نموده بدتر بواسطه فصاحت و بلاغتی است که شخص مورخین از برای ترفیع نام و اعلای مقامات کسانیکه موضوع و مورد ذمکیشان هستند بکار برده اند اگر نکته گران توانند بر ما ایرادی نکنند این است که (کنسپوس) در سه پانصد و پنجاه قبل از میلاد مطالب آن کتاب را اصلاح کرده است و بی از سدک عبارات آن رساله همچو مفهوم میشود که این کتاب در عصر و زمان امپراطور هائی نوشته شد است که در دو صد و پنجاه و پنجاه سال بعد از آن (و کنسپوس) غیر اصلاح آن کتاب تفسیری دیگری نموده است

چیزی که گواهی برین مطلب میدهد سابق کلمات مسطورۀ در آن کتاب است که میباید
 که این کتاب دراز منتهی قدیم نوشته شده است مثلاً عبارت آنکه دیلاً مسطور میشود از میان
 و بل سب (یو نامر صور میگردد) ای امر اطوار اگر خوب تأمل بفرمائید اس و اسس سلطنت
 و قانون سیاسی نسوی و برهبر کاری است سلطنت عمادت از اینکه زوای نگاهداری و
 حیط ملل درج جنبان است و انکیم پس آب و آتش و فلز و چوب و حیوانات را از
 برای ایسان هر هم ماوریم یکی از بهر های دیگری که بر ما برسد است این است که ملت خود
 را بر هر گای و ندهی است کهیم و مدستمال اشیا مذکور را ماویامورم و علاوه
 باید او را از ارتکاب چه هائیکه در دلا می و زندگانی در مرساید ممنوع داریم خلاصه
 این در چیره گو. را سلطنت باید همیشه در دست داشته باشد و مصلحتها را همیشه در دست
 زمانیکه نسا تربیت و تعلیم اشخاص را باید که در هر چه و تحصیل عوادت شد و فتنه سلطنت
 میباشد سبب خود را در خود نگردد و در دهانیکه شعب عامین مذکور ساخته اند مایه همچنان
 ملت میگردد پس اگر اسان چه آمد نگاهداری رعیت را کنند باید این دستورالعملها نگاه کرد

سرکب (یو) در سلطنت (چن) در سال سی و دوم سلطنت (چن) ۱۰۰۰

(چن) دو هزار و دویست و پنجاه و چهار سال قبل از میلاد

(چن) پس از آنکه دید در برس (یو) تو این حدی از بران سلطنت وضع کرده با و اطوار
 دانت که وایهندی او را قبول کند (یو) در خود است که بت و فایلت من با طازة
 بیست که بتوانم از عهد سلطنت بر آیم ای (کاؤ ماو) که یکی از عقلائی که سال است
 در کتاب و فایلت بر عمر کمی بر آید در علاوه نام مرتب او همیشه است و یلسان نسبت
 با و چینی است با اینکه زریاب او را بود چینی تأمل کند و او اهمیت این فکر بر روی
 که من سرحد مسود است و علی دانه که در میباید و حواد عهد و
 صدان من است اسرد که (کاؤ ماو) آنچه در حیح دهم همیشه گفته ام و حوام
 کمت که این محس از وای و اعیای هر کس در حیح دارد بر طور پس از آنکه تمجید
 نهای (کاؤ ماو) را کرد است (یو) و مایه که حشر و مادی از طعمان رود ها
 و آنها دانستم بها نکال عورت است که هر چه بد بد در حدمهای نکال شود و کتاب
 و فایلت بها در من مورد معلوم است اگر چه در من و نده همیشه نکال بجامت است
 با ماوریم و انرا چه با ال خود حشر که دنیا آنها سبب نمود که در زیر

کارهای بزرگ نمرود شما شخصی هستید بدون کار کسی در مملکت در حونی و آزمایش مانند شما نیست و کسی مانند شما کار های نمایان نکرده است يك سمت خوب دیگری که در شما هست این است که خدمت های خود را جلوه بدهید — تا این حال چگونه می توانم اغماض از کفایت و هوای شما نکنم — در صورتیکه حسن خدمتی که به دولت و ملت کرده اید همیشه در مد نظر من هست اوصاف فلسفی دلالت میکنند که شما باید ساطران و رئیس مملکت شوید و مسظورات تعویج دلالی بر همین مطلب میگذرد چنانکه میگوید در قلب انسان خیلی حطور میکند ز چهره هائیکه متالی با هوای و برهبر کاری است لیکن عقل و هوای انسان را بز آلودگی آنها باز مینماید پس باید مادم قلب خود را مینه سازیم و راه راست را پیشه کنیم و قبل از امتحان من مطلق نباید دلیستی بد پیدا کنیم و بدون تأمل و فکر نباید در هیچ کاری اودام کنیم — سلطان باید محبوب القلوب رحمت باشد و ملت باید از او بترسد چه اگر سلطان نباشد از کی استمداد خواهند جست و اگر ملت بیاستدکی مهربان دولت خواهد بود این مطالب را باید کوشش و دل بستنیم چه شخص سلطان از برای سلطنت و حکمرانی احتیاطها و ملاحظات زیادی باید داشته باشد و اهمیت هوای را نباید از دست بدهد زیرا که اگر ملت را بر تخطاند و آنها بد سلوکی نکند از سعادت و حیر آسودت محروم خواهند بود حریفی که از دهن انسان بیرون می آید گاهی مصدر حیر خواهد بود و گاهی مصدر شر تا این همه شروطی که از برای ساطن فرار داده شده است شما میگویم که باید حکماً مصایقه و در پیچ از ولیمینی من نمائید روز اول ماه اول سال در اطالی که معروف باطاق احدار بود (بو) را سخت ساطت بسانند و هال نشر بایرا که از برای امپراطور (چن) فراهم کرده بودند از برای او نیز فراهم ساختند — هر وقت که من قبل سالنامه هارا میخوانم می بینم که بقدر عادات و اخلاق ملت از آن تاریخ بحال مبرر کرده است چه در آن عهد عتیق ساطن را لایق کسی میدانستند که بتواند از عهدت بکانت ساطن بر آید چرا که سلطنت را يك امر ای و سیاسی میدانستند که لایق آن اشخاص از هر چیزی بود پس مسلم عمرس را ساطن باید فدوی اهل نذک خود باشد تصویر آن را که در قطار در خصوص امر سلطنت میگردند باعث میشد حکه دو صایان سلطنت فداه شر آن امر می نمودند و کار سلطنتی را که بایه سعادت و خوشبختی ملت بود از همه چیز مبره میدانستند امر ساطن از سایر امورات دنیا عالیتر و بهتر است در صورتیکه با سایر محسوبه و جمالاتی که همان و مشابه خیالات امپراطورهای قدیم

چین باتدبیری بدارد ولی اکنون این خیالات قدسه بطول زمان از روی زمین محو و منسوخ شده است حتی در چین که صدر اینگونه خیالات پستندیده بوده است امپراطور همیشه بخود لقب خیالات مذکوره باز در چین باقی است در ازمنه قدیمه هر کس که امپراطور میشد بخود لقب اب الرعایا و ام الرعایا میداد ولی معاصرین ما مخصوصاً در اروپا اینگونه لقب ها را نمی پسنند بگویند این لقب ها شایسته سلطنت های مستغله ایست که قابل ترقی و تمدن نیستند در بعضی که شرح علوم سیاسیه وزارت یو را میدهم خواهد دید که عدد پنج همیشه در نزد چینها محترم بوده و همیشه آن کلمه را در قوانین و روابط انجمنی استعمال نموده اند چنانکه ذیل بعضی عبارات آن را ملاحظه مینمایم از آنجائیکه پنج تکلیف عمده ما بر حسب امر پروردگار است آنها را ماخذ و میزان رفتار خود قرار میدهم و پنج مرتبه را حبلی محترم و مهم مینمایم قوانینی را که در خصوص احترام و آداب بااین نوع خود فرار داده اند فراموش نخواهم کرد و از حد اعتدال و میان روی خارج نخواهم شد خداوند خواسته است که مردمان محترم و ممتاز به پنج لباس تمیز داده شوند و نیز خداوند خواسته است که کبر مجرمین به پنج طریق داده شود خلاصه آنکه سلطنت و حکمرانی کار بسبب بسیار مشکلی که حبلی باید مایه تمکیر و تأمل باشد دیدن و شنیدن رعیت منوط است بدیدن و شنیدن پروردگار رحمت و غضب انسان آتی است از رحمت و غضب پروردگار یعنی مابین پروردگار و بی نوع انسان روابط مخصوصه است که باید منظور نظر سلاطین باشد کلمات مذکوره معادله عبارت ذیل که در انجیل مفسور گفته قول انسان قول خداست این کلمات را محض آگاهی و تبه اهل عالم خداوند متعال ابلاغ فرموده است زیرا که میخواهد بجهانند که طعم الارزاق او است و عزت و ذلت اهل عالم در دست اوست اگر چه در چین بموجب قانون شرایطی از برای حدود و قوانین سلطنتی نیست لکن در قانون نامه های عیدیه که تمام از تألیفات عقلا و دانشمندان است عبارات تهدید آمیز زیادی بجهت شخص سلطان نوشته شده است که از آنها کمتر از شرایط معهوده سلطنت های مشروطه اروپائی نیست زمانی نیست که ما ، مردمان اروپائی در خصوص چین زد و خورد نداشته باشیم زیرا که بر حسب عقیده آنها سلطنت چین مستغله است و سلوکش با رعیت ما کمال ظلم و تعدی است ولی همیشه آنها بگویند که منافع ملی که مایه و پایه هر سلطنت خوبی است در مملکت چین بیشتر از سایر ممالک آزاد اروپا رعایت شده است مطابق سالنامه های قدیم چین که حاوی قوانین سیاسیه است در خصوص غرور و آمار بدی که شئون سلطنتی در شخص سلطان